

نقش حاج شیخ محمدباقر بهاری در انقلاب مشروطه

ابوالفتح مؤمن

مقدمه

انقلاب مشروطه ایران، از وقایع حساس و سرنوشت ساز تاریخ معاصر کشور ماست که مبنای بسیاری از تحولات و تغییرات اساسی و زیربنایی در ایران شد و دستاوردهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی چشمگیری به دنبال داشت و موجب ظهور مسائل جدید در جامعه گردید. تشکیل شدن نهادهایی چون مجلس، انجمنها و احزاب سیاسی، نشان داد که مشروطه - برخلاف آنچه بیگانگان و مخالفان شایع کرده اند - آشی نبوده که در سفارت انگلیس پخته شده باشد؛ بلکه حاصل پدیده‌هایی بوده که دست کم از زمان عباس میرزا نایب السلطنه و از همان زمانی که پژواک گامهای منحوس سالداتهای روسیه در شمال شرق ایران شنیده و دخالتهای دول استعماری در امور داخلی ایران دیده شد، آغاز گردید و در جریان رویدادهای فراوان تکامل یافت. در به ثمر رسیدن انقلاب مشروطه، آزادیخواهان و مشروطه طلبان بسیاری نقش داشتند که با فعالیتهای خود چه در سطح کشور و چه منطقه و شهری خاص، باعث تسریع در پیروزی انقلاب و به حرکت درآوردن مردم شدند و در تمام مراحل انقلاب از صدور فرمان مشروطیت تا استبداد صغیر، همواره یار و یاور آزادیخواهان و انقلاب بودند.

شیخ محمدباقر بهاری همدانی، از جمله روحانیون و مراجع بسیار فعال در این زمینه است که نقش مؤثری در تحول منطقه غرب کشور بویژه همدان داشت. از این رو، نقش و جایگاه این روحانی مبارز در انقلاب مشروطه مورد کاوش قرار گرفت و زوایای تازه‌ای از زندگی سیاسی وی مورد توجه واقع شد تا با ارائه اسنادی منتشر نشده، گوشه‌ای از تاریخ انقلاب مشروطیت روشن تر گردد. این اسناد، مشتمل بر سؤالاتی است که مردم و روحانیون همدان از آیت الله محمدکاظم آخوند خراسانی راجع به انقلاب مشروطیت و آیت الله شیخ محمدباقر بهاری نموده‌اند و همچنین دربرگیرنده اسنادی منتشر نشده از سازمان اسناد و کتابخانه ملی است. در اینجا لازم است از نوادگان آیت الله بهاری (حاج محمود حجت الله اسلامی و نورمحمد باقری)، به خاطر در اختیار گذاشتن اسناد خانوادگیشان، صمیمانه سپاسگزاری به عمل آید.

صدور فرمان مشروطیت و انتخابات

حاج شیخ محمدباقر بهاری فرزند حاج شیخ محمدجعفر بهاری، در آخر ذیحجه ۱۲۷۵ق. در روستای بهار همدان متولد شد. خاندانش، از علمای دین بودند و جدش فقیهی عالم به شمار می رفت. محمدباقر، تحصیلات ابتدائی خود را نزد پدرش و حاج ملاعباسعلی بهاری فراگرفت و پس از آن به مدرسه علمیه همدان رفت. سپس جهت تکمیل تحصیلات خود عازم بروجرد شد و دروس اصولی و فقه استدلالی را نزد آیت الله حاج میرزا محمود بروجردی آموخت و از ایشان اجازه اجتهاد گرفت و بعد از آن رهسپار نجف اشرف شد. در آنجا به مدت بیست و یک سال از محضر درس آیات عظام ملاحسینقلی همدانی، میرزای شیرازی، شیخ حسن مامقانی، علامه نوری و آخوند خراسانی کسب فیض نمود. (۱) همچنین از شیخ لطف الله مازندرانی و علامه میرزا حسین نوری و آیت الله آخوند خراسانی، اجازه دریافت کرد. (۲)

وی، پس از مدت مذکور عازم زیارت مرقد امام رضا (ع) گردید و پس از بازگشت از مشهد به همدان وارد شد و بنا به خواهش بزرگان و مردم این شهر، در همدان اقامت نمود (۱۲۱۶ق.) و منصب اجتهاد و امامت مسجد جامع و تولیت موقوفات آن را عهده دار گردید و مسجد مذکور را تعمیر و گذرگاه آب آن را احیا کرد.

آیت الله بهاری به خاطر تقوا، عدالت و زهدی که داشت، بزودی طرف توجه مردم قرار گرفت و به اجرای احکام شرع طبق قوانین اسلام همت گماشت و در این زمینه هیچگونه تبعیض و ترجیحی قائل نبود؛ به نحوی که یک بار با دستان خود گردن یک مرد فاسق را در قبرستان میرزا تقی در حضور مردم زد و حد را به اجرا گذاشت. بهاری، از علمای اعلام و مراجع عظام شیعی و از فعالان نهضت مشروطیت ایران است و شهرت وی و آنچه از لحاظ تاریخی و اجتماعی اهمیت دارد، مربوط به کارکرد و سهم عظیم وی در جنبش مشروطه خواهی همدان است. او، نظرات سیاسی خود را راجع به مشروطیت در رساله "ایضاح الخطاء فی الردع عن الاستبداد"، در نكوهش استبداد به رشته تحریر درآورد. از او شصت عنوان کتاب و رساله طبق نوشته الذریعه باقی مانده که از جمله می توان به حاشیه علی القوانين (در اصول)، روح الجومع (در رجال)، الدرره الغروره (در توسل)، تعلیقه علی



آیت الله شیخ محمدباقر بهاری در جمع مجاهدین مشروطه خود در دوران استبداد صغیر ۱۳۲۷ ق.

«علیکم السلام: اولاً انشاءالله تعالی موفق باشید و ثانیاً تلگرافی برای دربار مبارک به این مضمون فرستاده بودم. چند روزی گذشت اثری معلوم نشد و استفسار از حال آقایان هم ممکن نبود. از کثرت دلتنگی در کمال خفا به بهار رفته و در کمال سبکباری عازم قم گردیدم. غیر این طور، در نظر این روسیاه اسباب مهمه و اغتشاش بود و الحمدالله وله الشکر دیشب دو ساعت از شب گذشته به زیارت تلگراف ارکان اسلام - شیدالله ارکانهم - فائز گشته، بنای مراجعت شد. در اثنای راه، رقیمة سرکاری زیارت شد؛ ولی چون وقت حرکت در بهار وعده از ما خواسته بودند و اجایش میسر نشد و مال و بعضی از لوازمات سفر هم در آنجا استفاده شده بود و لذلك امشب را بهار رفتم، صبح بعد از آفتاب انشاءالله رو به خانه خواهم آمد. دیشب دو صورت تلگراف و اعلاتی نوشته نزد عمده التجار حاجی شیخ تقی فرستادم. خوب است آنها هم به نظر شریف برسند. خداوند توفیق شکرانه این نعم عظمه را بر همه ماها کرامت فرموده، انا قاناً رواج دین اسلام را بیش تر گردانند. میان راه به این چند کلمه جسارت شده و تفصیل موقوف بر مشافهه و ملاقات است؛ محمدباقر. (۶)»

پس از صدور فرمان مشروطیت، شیخ محمدباقر طی تلگرافی به دربار،

المکاسب (در فقه)، الدعوه الحسینیة (در سه جلد)، حاشیه بر شرح الفیه ابن مالک، نثار الیاب، کتاب النور البیان و... اشاره کرد. پس از رحلت وی، کتابخانه عظیمی - که شامل نسخه خطی منحصر به فردی بود - از او باقی ماند که توسط نوادگانش به فروش رسید و خوشبختانه توسط کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی خریداری و در مجموعه ای به نام آیت الله بهاری، ساماندهی شده است. (۳)

با شروع انقلاب مشروطه، شیخ محمدباقر بهاری، از جمله روحانیونی بود که بشدت از آن حمایت نمود و به مخالفان با صراحت اظهار می کرد: «با وجود اینکه تحکیم و استقرار این رسم سیاسی باعث کساد کار ما شد و دکانهای ما را تعطیل می کند ولی معذالک می باید در راه تعمیم آن کوشش به خرج داد.» (۴)

در جریان مهاجرت علما به قم، آیت الله بهاری نیز در روز پنجشنبه ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۲۴، عازم این شهر شد. او، در بین راه با دریافت نامه روحانیون مهاجر و خبر پیروزی آنان، به همدان بازگشت. (۵) پس از مراجعت آیت الله بهاری، ظهیرالدوله (حاکم همدان) به او نوشت: «اگر بنای رفتن داشتید چرا مرا خبر نکردید که لوازم سفر شما را فراهم کنم که راحت باشید!»

بهاری، در جواب وی اعلام داشت:

از صدور فرمان مشروطیت تشکر نمود:

“طهران، حضرت نواب اشرف والا، آقای یمن السلطان - دام عمره. نثار دربار معدلت آثار همایونی - [دام] ظلّه - گرداند که بعد از دو روز ملال واقعه رؤسای اسلام - ایدهم الله - فرخنده طابری می رسید که صاحب شرع را اعلیحضرت همایونی - ظفره جنّده - خرسند ۷ ساخته، نم متواقره بر اسلامیان بذل فرموده، همه را متشکر داعی دولت ابد مدت خود گردانید. زهی دین مبین را که مثل اعلیحضرت مظفر ناصری دارد بحمدالله علی آلائه. باقر.” (۸)

در این مرحله، بهاری ضمن همراهی با انقلاب مشروطه، در تقویت مشروطه خواهان نیز کوشید و در جریان قحطی نان در همدان به خاطر احتکار شدن گندم به دست مالکان و انتخاب نمایندگان همدان برای مجلس شورای ملی، شیخ محمدباقر نیز به طور مؤثری ایفای نقش نمود. با انتخاب شیخ تقی و کیل الرعایا به نمایندگی همدان در مجلس شورای ملی از سوی عده ای از روحانیون، تاجرها و حاکم همدان، گروهی نیز به این انتخاب اعتراض کردند و خواهان برگزاری انتخابات مجدد بر اساس نظامنامه شدند؛ از جمله آیت الله بهاری در نامه جداگانه ای به ظهیرالدوله، خواهان اجرای نظامنامه شد:

“چون غرض از وضع نظامنامه و ترتیبات، این است که تمام رعایای اهل بلاد همت گماشته، با ملوح اغراض شخصیه طبقات ششگانه آنها: اول شاهزادگان و قاجاریه، دوم علما و طلاب، سوم اعیان و اشراف، چهارم تجار، پنجم مالکین و فلاحین، ششم اصناف کسب بازار، اشخاص که خیرخواه ملت و دولت باشند به نحوه مخصوص - که دزد و دغل داخل نشود - از تعیین قرعه به وجود مخصوص و مثل آن انتخاب نموده، به مجلس شورای ملی بفرستند ... اقدام طبقات پنجگانه بر انتخاب برای مقصود موقوف، بر آن است که حال طبقه ششم برای آنها آشکار شود که به قاعده نظامنامه انتخاب کرده اند و همه هم، سخنان او را سخن خود می دانند تا آنها دیگر هم انتخاب کرده، بفرستند والا بر فرض تحقیق انتخاب هم که صرف منتخب بعضی طبقات ششگانه که منشأ التزام طبقات دیگر نمی شود. اگر این طور بنا بود که همه طبقات خواستن و قرعه گفتن و از بلاد بعیده خواستن حاجت نبود و اگر کسی اطمینان به حصول انتخاب و کیل بخواهد، چه دخلی برهم زدن دارد و چه ربط به خیالات دیگر دارد ... آیا باید نوشت که وکلا از همدان خواسته بودید فلان و فلان آمدند یا خیر و هم بی تحقیق حصول انتخاب مقرر می شود، گفت حاصل شده است و اهل همدان همه بخواهند همدست شده، به طبق نظامنامه های اعلیحضرت شاهنشاهی - خلدالله ملکه - عمل نماید یا خیر اگر ابدأ نمی خواهند کسی مطلع و مطمئن از انتخاب و توکیل آنها بشود، ابدأ هیچان لزومی ندارد، آنها مشغول کسب خود باشند.” (۹)

ظهیرالدوله، در جواب نامه روحانیون نوشت:

“موافق نظامنامه گویا همین طور که سایر طبقات حق دخالت در تعیین وکیل حضرت آقایان را ندارند، حضرت آقایان هم حق را نداشته باشند.” (۱۰)

آیت الله بهاری، در نامه مجددی در چهارم ذیقعدة به ظهیرالدوله نوشت: “عرض می شود: انشاءالله الرحمن موفق باشید و ثانیاً رقیمه رسید. معلوم شد داعی هم ملحق به سابق شده، غرض همان عمل به طبق نظامنامه واقع شود و وکلای اصناف ما - که در ستوات سابقه هم بودند - داخل در عناوین معاونین حکامند و به همین واسطه ساقط از مرتبه انتخاب نمایند و حکام و معاونین آنها در انتخاب کردن و منتخب شدن - چنان [چه] صریح نظامنامه است - در کنار باشند اگر اشتباهی است بزودی رفع خواهند شد.” (۱۱)

در جواب نامه آیت الله بهاری اعلام داشت:

“... اگر حضرت آقایان عظام ... شخصی را از خودشان یا غیر خودشان وکیل کنند، شاهزادگان هیچ حق ندارند که وکیل آنها را تکذیب کرده یا بگویند چرا به اطلاع و تصویب ما معین و انتخاب نشده است، همین طور به عکس ... اگر مطلب پیچیدگی دارد، درست مطلب و مقصود را واضح مرقوم فرمایید که در اطاعت او امر عالی حاضر باشم.” (۱۲)

شیخ محمدباقر به رغم نامه های مذکور، پس از مدتی متوجه شد که در کنار خوانین مستبد قرار گرفته که البته بر اثر تنبیه و تهدید تاجران مشروطه خواه انقلابیون آذربایجانی مقیم همدان (امثال نوبری)، به اصل قضیه بیش تر واقف شد (۱۳) و جانب اصناف، اهالی و وکیل منتخب آنان را گرفت. ظهیرالدوله، در این اوضاع سعی داشت خود را کنار کشیده و حساسیت خاصی ایجاد نکند و مشکل را توسط خود آنها و خارج از حاکمیت حل نماید که همین طور نیز شد. به همین خاطر در ذیقعدة ۱۳۲۴ آیت الله بهاری در مسجد جامع اعلام داشت: “مردم! باید یا یکدیگر برادر باشید و کینه یکدیگر را نداشته باشید. صورت یکدیگر را ببوسید و مثل اهل کوفه نباشید ... اگر از آقایان تشکی و دلتنگی دارید، من از جانب همه شما از آنها معذرت می خواهم؛ عفو فرمایید و هر کس در خصوص گندم شما اقدام کرده، خدا به او طول عمر بدهد ... دعای حاجی شیخ تقی وکیل الرعایا بر همه ماها و شما لازم است. زیرا که زحمت کشیده و در طهران برای شما گندم خریده و اما من هم از زندگانی دنیا هیچ چیز ندارم، و هر چه دارم مال من نیست و مال دیگری است.” شیخ با بیان اینکه از مال دنیا چیزی ندارم، از خوانین قراگوزلو - که خواهان عزل وکیل الرعایا بودند - برائت جست و در صف مقابل آنان قرار گرفت؛ چرا که همان زمانی که مخالفت با انتخاب وکیل الرعایا شروع شد، عنوان گردید که بعضی از روحانیون برای این کار از خوانین پول دریافت کرده اند.

آیت الله شیخ محمدباقر بهاری، در بیست و دوم شعبان ۱۳۲۵ از سوی روحانیون شهر همدان به نمایندگی انجمن ولایتی همدان انتخاب شد و سالها ریاست آن را داشت. در همین زمان بهاری، از انجمن همدانیهای مرکز به نام اکباتان درخواست نمود که خواسته های مردم همدان را در برقراری نظم و امنیت به گوش مجلس شورای ملی و وزارت داخله رسانده و جواب را برای انجمن ولایتی ارسال نمایند. (۱۴)

استبداد صغیر

مرحله دوم فعالیت سیاسی بهاری، با وقوع استبداد صغیر آغاز شد. در



اعضای انجمن اخوت ظهیرالدوله در همدان ۱۳۲۴ ق. (یا انجمن اخوان) که هر دو یکی هستند

تلگرافی به محمدعلی شاه، شفاعت سید جمال را بکنند. پس از اینکه متن تلگراف مذکور آماده شد، آن را پیش حاج شیخ محمدباقر بهاری بردند. او، متن را خواند و تحسین کرد و اظهار داشت:

حال ملایان همدان معلوم است. اگر من اول تلگراف را امضا کنم، بر برخی - که خود را اعلیٰ و اتقی می‌دانند - گران می‌آید. بپرید بعد از اینکه آنها امضا کردند، من هم امضا می‌کنم. وقتی که نزد امام جمعه بردند، نه تنها امضا نکرد بلکه دیگران را هم از این اقدام بیم داد. (۱۶)

شاید شیخ محمدباقر به این دلیل آن را امضا نکرد که باعث حس رقابت بین روحانیون نشود و به نوعی آنان را تشویق به امضای تلگراف بنماید و یا اینکه می‌دانست با مخالفت شدیدی که وی با دربار و محمدعلی شاه داشته - که بعداً نیز شدیدتر شد - امضای وی نه تنها موجب رهایی سید نمی‌گردد بلکه امکان داشت نتیجه عکس بدهد و موجب تسریع در اقدامات خصمانه دربار گردد.

آیت‌الله شیخ محمدباقر بهاری با فعال کردن انجمن ولایتی همدان، بر اوضاع شهر و منطقه مسلط شد به افرادی که با مشروطیت و آزادیخواهان

بیست و دوم جمادی الاول ۱۳۲۶ محمدعلی شاه، به قزاقان تحت فرماندهی بالکونیک لیاخوف روسی دستور داد مجلس شورای ملی را به توب ببنند و مقاومت مجاهدین نیز نتیجه‌ای نبخشید. به دنبال این واقعه، مردم همدان به رهبری شیخ محمدباقر، خواهان اعاده مشروطیت شدند.

به رغم اعلام حمایت اکثر روحانیون همدان همچون محمدباقر رضوی امام جمعه، ابراهیم رضوی و محمد حسین طباطبایی از محمدعلی شاه، شیخ محمدباقر بهاری بشدت با محمدعلی شاه به مخالفت برخاست و خواهان استقرار مشروطیت شد و رهبری انقلابیون و مجاهدان را عهده دار گردید. (۱۵) در همان زمان سید جمال واعظ همدانی از انقلابیون و مشروطه خواهان ایران، برای رهایی از دست محمدعلی شاه و رفتن به عتبات عالیات وارد همدان شد. اختیارالدوله رئیس تلگرافخانه همدان، ورود او را به رئیس الوزرا اطلاع داد؛ به همین دلیل دربار، از میرزا محسن مظفرالملک، حاکم جدید همدان خواست که او را دستگیر نماید. اما از آنجا که او با سید جمال روابط دوستی داشت، برای رهایی سید جمال تدبیری اندیشید. از یکی از نزدیکان خود - که در میان روحانیون همدان اعتبار و نفوذی داشت - درخواست نمود که از علمای همدان بخواهد که با ارسال

مبارزه می کردند، هشدار داد و آنها را از این کار بر حذر داشت و در زمینه ایجاد امنیت، اقداماتی نمود، از جمله اموال تجار (۱۷) همدانی را که به دست خوانین کلیایی و چهار دولی (چرداوری) به سرقت رفته بود، توسط حاج محمد شفیع از اعضای انجمن، پس گرفت و در دفتر خاصی در انجمن ثبت نمود. (۱۸)

به دنبال اقدامات بهاری و فعال شدن انجمن، معتمدالدوله از اعمال حکومت طی گزارشی به صدراعظم نوشت که:

منظور شیخ محمدباقر از کامل شدن اعضای انجمن ولایتی، اعاده مشروطیت است که آن نیز مخالف شرع می باشد.

معتمدالدوله برای جلوگیری از فعالیت آیت الله بهاری، از صدراعظم خواست که وی را به تهران احضار نماید. صدراعظم نیز طی نامه ای به عنوان امر دین، شیخ محمدباقر را به تهران فراخواند؛ اما شیخ نه تنها نرفت بلکه جواب سختی به وی داد:

حضور صدراعظمی که الی حال عدل و ظلم را از هم تمیز نداده یا دام تزویر برای گمراه کردن این روسیاه نهاده، سخن نیکان می گوید و علامتی ندارد. حسنات پیش شمرده غفلت از کردار فعلی دارد. شمر هم در صفین در رکاب حجت خدا جهاد کرده، در عمل خلاف فرموده های حجج اسلام؛ جداً کیدداری جان من به لفظ حلوا دهان شیرین نمی شود و بدن قدرت نمی گیرد. حقانیت و مراتب دیانت حجج اسلام و اتباع متظلّمه آنها بر کسی مخفی نمی گردد و طمع استقامت استبداد بعد از این تزلزل ارکان، مانند طمعمهای اشعب است که دامن می گرفت به امید اینکه اگر پرنده در هوا تخم کرد، به دامش افتد. فرموده اید، امر دین و مذهب است؛ سبحان الله کسی احتمال می دهد که حجج اسلام و رؤسای اعلام ظاهر الدیانه بین الخاص و العام به وجهی خرابی آن همه جد نمایند.

دولتیان - که مخالف احکام آن بوده و همه وقت موهن و مخرب بوده اند - امروزه حافظ و حامی دین شده باشند! از طهران آمدن من اگر امید تغییری در احکام حجج اسلام است، معاذالله! پرو این دام بر مرغ دگر نه / که عتقار بلند است آشیانه. و اگر غرض دیگر است بیان شود تا تکلیفم بدانم. آنچه لازم بود به موعظه حسنه عرض شده، تأمل فرمایید که شما را به راه خدا خواندم و یا به آتش جهنم دعوت نمودم. ثمر درستی نمی بینم. هر تلگرافی که باب کیف نباشد، جواب نمی دهم. تا وقتی که تکلیف جلوگیری باشد، حاضریم. وقتی که اقتضای باز ایستادن کرد، ساکت می شوم. حسابی هم دست شماها وقتی که پشیمانی سودی نکند، خواهد آمد و اگر هم عرایض من گوشت تلخی بوده است و در مذهب شماها مجازاتی دارد، شخصاً برای مجازات علنی حاضریم. یار و یاوروی جز خداوند قهار ندارم. محمدباقر، ۲۹ صفر ۱۳۲۷. (۱۹)

شیخ محمدباقر، با این جواب تند، به صدراعظم و دولتیان متذکر شد که حامی واقعی مشروطیت، آزادیخواهان و مجاهدین است و امور دین را روحانیون بهتر می توانند حفظ و حراست کنند.

وی، مجدداً در سیزدهم ربیع الاول ۱۳۲۷ طی تلگرافی، از صدراعظم به

خاطر کشتن سید جمال واعظ و ملک المتکلمین انتقاد کرد و همچنین از توطئه آنان برای مسموم نمودن آیت الله خراسانی پرده برداشت و تنها راه علاج این نابسامانیها را، اعاده مشروطیت اعلام نمود.

از همدان به تهران

حضور مبارک آقای صدراعظم و فقه الله تعالی! مسموع می شود که باز هم کسی انکار احکام شریفه و اظهار منافی نموده، آفتاب را به دست نمی توان پوشید. جحدوا بها واستیقنتها انفسهم ظلماً و غلوا. به این تسویلات ابلیسی می خواهند سلطان مسلمانان را گمراه نموده، صفای خواطر دریا مقاطرش [را] - که تلگراف ارفع الدوله ظاهرش نمود - کدر سازند. ولایفح الساحر حیث اتی. اگر این ذوات خبیثه نبودند، این همه خون مسلمانان ریخته نمی شد و آن چند بزرگوار در مأمین مسلمین به آن طور فجیعی که تخم عداوت در دلهای شیعیان پاشید، شهید نمی گردیدند و بعد از آنکه سوء قصد آن خبیث دیگر به آیت الله خراسانی - مدللّه تعالی ظلّه علی القاصی والدانی - در عتبات واضح گردید که سم قاتل همراه برداشته و اسماً به زیارت کربلا و در باطن یالینتی معکم گوین، خواست ملحق به جماعت شمر و عمر سعد گردد و کار الله ویردی را ثانی پیدا شود و به فضل خدایی، تیرش به سنگ آمده، حضرت آیت الله هم عفو و اغماض فرمودند و بعد از شهادت علما اخیار در فارس و آذربایجان و غیره به دست دوستان دولت که واقماً مجنون دولت بوده اند، این فجایع، احسان گمان نموده، مرتکب گشته، همه را در دل مسلمانان به اسم دولت ثبت نمودند؛ ابدأ جای ماست مالی نمانده و عنقریب است که منجر به هیجان عمومی در تمام بلاد گردد. تلگراف حاج سیف الدوله و امثال آن هم که منتشر است.

لطف حق با تو مداراها کند

چونکه از حد بگذرد رسوا کند

به منت اعاده مشروطیت، امید علاج این مفاسد هست و تمویق، باعث تزیاید و شدت است و گمانم این است که موافقت صادقانه با ملت، در کم زمانی در عامه مفاسد مسدود و همه را در رفاه و آسایش گرداند.

به تاریخ ۱۳ ربیع الاول - ۱۳۲۷ محمدباقر (۲۰)

در همدان تشکیل واحدی نظامی متشکل از مجاهدان انقلابی برای مبارزه با استبداد، مختص مجاهدان و سوسیال دمکراتها نبود، بلکه جناح مذهبیون به رهبری آیت الله شیخ محمدباقر بهاری نیز گروهی مسلح برای دفاع از مشروطه شکل داده بود. همین گروه، بنا به دستور شیخ محمدباقر قصد داشت زمانی که آیت الله بهبهانی را تحت الحفظ به تبعیدگاهش "بزره رود" کرمانشاه می برند، از دست مأموران آزاد سازد که البته هوشیاری محافظان مانع از این کار شد. (۲۱)

با تشکیل اردوی مجاهدان و دسته های نظامی در همدان، آیت الله بهاری با صدور اعلامیه و نشر آن، از مردم خواست که فقیر و غنی، مرد و زن، پیر و جوان هر کس به اندازه توانائی خود جهت دفاع از اسلام و دفع دشمن از کشور، مبلغی به حجه شهیندر یا حجه حاج خلیل و یا انجمن ولایتی و صندوق مسجد جامع تحویل داده، در عوض قبض اعانه دریافت نمایند و مردم، جهت اطمینان از حسن استفاده از مبالغ فوق می توانند بر

نحوه مصرف آن نظارت داشته باشند، از مجاهدان هم خواست اگر برایشان مقدور است، بدون دریافت پولی به خدمت بپردازند. (۲۲)

مجاهدان همدان، به رهبری آیت الله بهاری در صدد اعزام نیرو جهت کمک به مجاهدان گیلانی و بختیاری برای فتح تهران بودند که خبر پیروزی آنان و فتح تهران را دریافت کردند. با پیروزی مشروطه خواهان و خلع محمد علی شاه، وزیر داخله، طی تلگرافی از فعالیت‌های انجمن ولایتی و اقدامات آیت الله بهاری در راه اعاده مشروطیت تقدیر و تجلیل نمود. (۲۳)

هنوز مدت چندانی از پیروزی انقلابیون و اعاده مشروطیت نگذشته بود که به خاطر برگزاری انتخابات انجمن ولایتی در رمضان ۱۳۲۷، بین حاکم وقت همدان و کمیته ستار اجتماعيون عاميون از یک سو و آیت الله بهاری از طرف دیگر اختلاف نظر پدید آمد. در این زمان انجمن مذکور تعطیل و مردم دلسرد شده بودند. آیت الله بهاری بر فراز منبر آنها را به تشکیل مجدد انجمن تشویق می کرد و مکرر می گفت: مرا انتخاب نکنید. (۲۴)

در این زمان آیت الله بهاری با ارسال تلگرافی به وزیر داخله، از حکومت همدان شکایت نمود و خواهان برقراری نظم و امنیت در همدان شد. (۲۵) چرا که در این هنگامه، بازارها تعطیل و چند نفری نیز به قتل رسیدند و حاکم وقت همدان در حضور مردم توسط فریدالسلطان پیامهای ناشایسته ای برای حاج شیخ محمد بهاری حواله کرد که این موضوع، باعث درگیری بیش تر شد (۲۶)؛ تا جایی که معتمدالدوله همچون زمان استبداد صغیر، از وزیر داخله خواست که آیت الله بهاری را به تهران احضار نماید که وزیر اعلام داشت: احضار وی باعث اغتشاش بیش تری خواهد شد. (۲۷)

از سوی دیگر آیت الله بهاری اعلام داشت: اخذ مبلغ خانه ای یک قران برای نظمی، مخالف مذهب جعفری است و گفت: این ترتیبات جز به جز باید نجف برود؛ هرگاه امضا فرمودند، صحیح و مجری است والا غلط است. البته آیت الله خراسانی در جواب سوال بهاری در این خصوص اعلام داشت:

«علاوه بر اینکه احداث این گونه بدعتها شرعاً از اعظم کبائر و محرمات است، به مقتضای قانون اساسی هم نه بلدی و نه غیر بلدی، هیچ یک از این ادارات در هیچ بلد و ولایتی، هیچ گونه تحصیل و احداث مالیات غیر قانونی را - که در مجلس ملی امضا و تصویب نشده باشد - حق ندارد اگر بلدیة همدان بخواهد تخلف کند، شرعاً مرتکب اعظم کبائر و قانوناً هم مؤاخذ و مسئول است.» (۲۸)

در پی حوادث مذکور میرزا ابوالقاسم محمودزاده، رئیس مجاهدان همدان در دوازدهم شوال ۱۳۲۷، از آیت الله بهاری به وزارت داخله شکایت کرد (۲۹) و حتی در همدان اعلامیه منتشر کرد که خودش طبق دستور آیات عظام نجف اشرف عمل می کند که بناچار از آیات عظام در این خصوص سؤال شد و جوابی که آیت الله خراسانی برای آیت الله بهاری ارسال نمود، موضوع را تکذیب کرد:

«ابدأ تاکنون نه به واسطه نه بلاواسطه به مشارالیه چیزی نوشته فقط طی یک مکتوبی که در شهر صیام خدمت فقه الاسلام آقای حاجی باقر مجتهد - دامت تأییداته - معروض شده، از ایشان خواهش نمودیم که تمام مجاهدین اسلام پرست وطن خواه را به ترک اسلحه و رفع ید از تعریضات و موجبات ازجار قلوب اکیداً

نصیحت کند. به شخص مشارالیه ابدأ چیزی نوشته نشده و هرگز طرف خطاب نبوده است.» (۳۰)

باتوجه به جوابیه آیت الله خراسانی، می توان گفت که علت مخالفت محمودزاده و کمیته ستار آیت الله بهاری به دلیل تلاش بهاری در جلوگیری از بی نظمی و اجرای دستورات آیات عظام نجف بوده است. در استعلام مجددی که در مورد شرارت محمودزاده از آیت الله خراسانی شد، وی کتباً در این خصوص به آیت الله بهاری نوشت:

«بلی مفاسد اعمال و شنايع رفتار استبدادیه مشارالیه و کمیته بازیهها و تحمیلات ظالمانه او را به اسم اعانه و غیره ذلک، محقق و معلوم است. تمام این اهتمامات و زحمات و مجاهدات ملت مظلومانه برای این مطلب بود که آیاد ظالمانه و تعدیات مستبدانه این قبیل ظالمین رفع شود. حال هم رفع شرع و ظلم او را از اهالی همدان جدأ از اولیای امور - ایدیهم الله تعالی - خواسته، سابقاً به عموم ملت اعلام و باز هم اکیداً اظهار می داریم که هر حکم و اعلامی که در همدان یا غیر همدان از جانب کمیته سریه یا ستاربه یا غیر آنها از مجامع و انجمنهای غیر رسمیه اظهار شود، حکم طاغوت و پیروی و معاونت آن، به منزله پیروی و اعانت جبت و طاغوت است. جلوگیری از تمام انجمنهای غیر رسمی هم، وجوباً از اولیای امور - ایدهم - خواستیم و انشاءالله تعالی به رفع.» (۳۱)

آیت الله خراسانی، تمام مکاتبات و تلگرافهایی که به همدان ارسال می داشت، از طریق آیت الله بهاری بود و در واقع بهاری، نماینده وی محسوب می شد. آیت الله خراسانی در این خصوص در بیست و دوم ذیحجه ۱۳۲۷ به مردم همدان نوشته بود:

«تاکنون به خاطر نداریم که در مصالح عامه مملکت و ملت حکمی کتباً و تلگرافاً به همدان بدون توسط جناب مستطاب شریعتمدار صفوة الفقهاء العظام فقه الاسلام آقای حاجی شیخ باقر مجتهد بهاری - دامت تأییداته - فرستاده باشیم. بعد از این هم هیچ حکمی در امور راجعه به مصالح عامه بدون توسط ایشان فرستاده نخواهد شد و اگر دیگری حکمی اظهار بدون آنکه تائیداً صحت صدور آن را واسطه کنند و به توسط ایشان تصدیق کنیم، معتبر نخواهد بود.» (۳۲)

بدین ترتیب موضوع آیت الله بهاری، مورد تأیید قرار گرفت. به دنبال حوادث مذکور، آیت الله بهاری در منبر مدام از مردم می خواست که نمایندگان انجمن ولایتی را انتخاب کنند و از سوی دیگر تلاش می کرد که نظم را برقرار نماید و از اجحاف عده ای از مجاهدان و کمیته ستار جلوگیری کند. به همین دلیل گروهی در مقابل به اذیت و آزار وی پرداخته و نسبت به او توهینهایی روا داشتند؛ تا جایی که گروهی از مردم برای ساکت کردن مخالفت از آیت الله خراسانی در این خصوص به شکل سؤال کسب تکلیف کردند:

«کسانی که در مقام توهین و اذیت وجود مقدس حضرت مستطاب حجت الاسلام آقای شیخ محمدباقر مجتهد بهاری - مدظله - برآمده، حال آنها چه و تکلیف مسلمانان با آنان چیست، بیان فرمایید.» (۳۳)

آیت الله خراسانی در جواب اعلام داشت:

”بحمدالله تعالی آقای ثقة الاسلام حاجی شیخ باقر بهاری - ایده الله تعالی - از عظام علمای اعلام و اساطین اسلام و حفاظ شرع سیدانام علیه افضل صلوة والا سلام اند. حفظ مقام و رعایت احترام و اجرای احکام ایشان، شرعاً واجب و اذیت و توهین ایشان حرام است. بر عموم مردم همدان - دام توفیقهم - اعلام می شود که غرض از این همه رخصت و خسارت دو سه ساله، حفظ حدود و شئون علمای حقه معدلتخواه جناب مستطاب معظم له در اجرای احکام الهی - عزاسمه - و رفع ظلم و محو بدعت و جلوگیری از حرکات ظالمانه مستبدانه و حفظ اموال و اعراض و نفوس مسلمین و ترویج شریعت سیدالمرسلین (ص) ... است.“ (۳۴)

پس از این اعلام نظر صریح و قاطعانه آیت الله خراسانی، مخالفان بهاری تا مدتی عقب نشستند و اختلاف بین بهاری و حاکم همدان پس از مکاتبات متعدد با وزارت داخله جهت رفع مشکل مذکور و پیگیریهای وکیل الرعایا (نماینده مردم همدان در مجلس شورای ملی) و وساطت روحانیون شهر برطرف شد و در انتخابات دهم جمادی الاول ۱۳۲۸، آیت الله بهاری نخستین فردی بود که به عنوان نماینده مجلس ولایتی برگزیده شد. پس از انتخابات، شیخ محمدباقر در نامه ای به وزارت داخله، اتحاد و اتفاق عموم شهر اعلام داشتند:

”وضع مخالف به نفع شده است و روز دهم و یازدهم شوال ۱۳۲۷، انقلاب جزئی شروع بر بعضی اشتباه ماست بحمدالله به خدمت گذشت. رحم پروردگار شامل حال عموم گردید. غروب سیزدهم مجمعی از گروه رؤسا در منزل جناب مستطاب آقای محمد اسماعیل - دام تأییده - که او مصلح این کار است؛ از خیرخواهان عموم اهالی بوده، منعقد از همه جهت رفع کدورت شد، اصلاح شد و چندان اهمیتی نداشت. امنیت کامله حاصل، عموم اهالی متشکر و آسوده خاطر.“ (۳۵)

در سال ۱۳۲۸ق. به موجب فصل دوم از متمم قانون اساسی، رسماً مقرر گردید که برای مراقبت در عدم مخالف قوانین موضوعه با احکام شرعی، پنج نفر از علمای طراز اول بر این مصوبات نظارت و کنترل داشته باشند. بر همین اساس، در سوم جمادی الاول ۱۳۲۸، آیات عظام خراسانی و مازندرانی طی نامه ای، بیست نفر از مجتهدان عدول عارف به مقتضیات عصر را به مجلس شورا معرفی کردند تا مجلس بر حسب آرا و قرعه، پنج نفر از آنها را انتخاب نماید.

شیخ محمدباقر بهاری، یکی از افرادی بود که توسط آیات عظام معرفی شده بود. مجلس، با قید قرعه پنج نفر از فهرست بیست نفره علمای نجف برگزید اما با استعفای آقا میرزا سیدعلی حائری یزدی از عضویت هیئت پنج نفره، مجلس در جلسه روز بیست و هشتم شعبان ۱۳۲۸ بر حسب قرعه، حاج شیخ محمدباقر بهاری را عوض او انتخاب کرد. اما آیت الله بهاری در پنجم رمضان طی تلگرافی استعفای خود را از هیئت خمسة علمیه به مجلس شورای ملی اعلام کرد:

”حضور مبارک حضرت امجد، آقای رئیس مجلس مقدس - شیدالله ارکانه! از وصول تلگراف محترم محفوظ حاجی شیخ تقی سابقها و ثقة الاسلام یزدی ... استخراج در این فقره فرموده، جوابی معروض، متأسفانه خاطر نشان امنای ملت نگردیده که از

میان معرفی شدگان عظام منجمله این احقر انتخاب فرموده اند. حقیقت، از جهاتی عجز داشته، به کمال انکسار اظهار بی توفیقی کرده، معذرت می خواهم و از ... خدمات سخت دریغی نبوده و عواقب بی حصر است. محمدباقر“ (۳۶)

مبارزه با بیگانگان

آیت الله بهاری - که در تمام عرصه ها آماده دفاع از دین مبین اسلام و مشروطیت بود - در اوایل سال ۱۳۲۹ق. - که دولتین روسیه و انگلستان به بهانه نبود امنیت در ایران، نیروهای خود را از شمال و جنوب وارد خاک ایران کردند (البته نیروهای روسی قبلاً به آذربایجان و جاهای دیگر وارد شده بودند) - وی بار دیگر رهبری مردم را به دست گرفت و نسبت به این رفتار و بهانه جوئی دولتین، طی یادداشتی - که تمام مردم همدان اعم از مسلمان، یهودی و نصارا آن را امضا کرده بودند - به سفرای خارجی در تهران اعتراض کردند. (۳۷)

آیت الله بهاری شخصاً در مخابرات حضور یافت و مراتب اعتراض و انزجار خود و مردم همدان را به همه جا اعلام کرد و به دنبال آن، بنا به دستور علمای نجف، در همدان “هیئت علمیه اتحادیه“ (۳۸) را در محرم ۱۳۲۹ تشکیل داد و خود ریاست آن را بر عهده گرفت تا بدین وسیله با علما و سایر مردم ایران مرتبط باشد که با وحدت و یکپارچگی در کل کشور، بتوانند به مقابله با اجانب بپردازند. آیت الله خراسانی، با ارسال تلگرافی به آیت الله بهاری از این اتحاد و اتفاق نظر امتنان نمود و از وی و مردم همدان خواست که با اتحاد کلمه به تکلیف خود عمل کنند و در حفظ دین و وطن اسلامی کوشا باشند. (۳۹)

در این زمان آیت الله بهاری، ریاست انجمن ولایتی را به امام جمعه همدان وا گذاشت و درگیر مسائل هیئت علمیه اتحادیه همدان شد. دولت روسیه، نخست در ذیقعدة ۱۳۲۹ شفاهی و سپس در هفتم ذیحجه کتباً به دولت ایران اولتیماتوم داد که مورگان شوستر را از کشور اخراج نماید. به دنبال آن نیروهای روس به تبریز، قزوین و مشهد یورش بردند و تعدیات بی حد و حصری مرتکب شدند. در پی انتشار این خبر، مردم و روحانیون همدان، به مبارزه علیه روسها برخاستند. این مبارزه زمانی ابعاد گسترده تری پیدا کرد که علمای نجف اشرف، تلگرافی مبنی بر مبارزه با روسها به روحانیون ایران از جمله آیت الله شیخ محمدباقر بهاری مخابره کردند. (۴۰)

شیخ محمدباقر بهاری، با توجه به اعلام خبر اولتیماتوم و دستور علمای نجف اشرف، شروع به فعالیت کرد و مردم و طلاب را آماده هرگونه مقابله با نیروهای روسیه کرد که به همدان نزدیک می شدند. (۴۱) وی پس از صدور فرمان جهاد علیه روسها، خود پیشاپیش مردم حرکت نمود و با سلاحهایی که در زرادخانه شهر موجود بود، مردم را مسلح کرد و همگی مشغول مشق نظامی و تیراندازی شدند و نیز بنا به دستور شیخ علما و طلاب، عبا و عمامه ها را کنار گذاشته و در میدانهای خارج شهر طی مدتی مشغول تمرین نظامی شدند تا هرگاه سربازان روس خواستند داخل شهر شوند، به مقابله با آنها بپردازند. (۴۲)

بنا به دستور وی، طلاب همدان تلگرافی مبنی بر آمادگی در دفاع از کشور و مشروطیت، به مجلس شورای ملی و مدارس عالییه مرکز مخابره

سالارالدوله برای رسمیت بخشیدن به ادعای سلطنت خود، نامه هایی در این خصوص به مراجع مختلف شهرهای ایران از جمله برای شیخ محمدباقر بهاری نوشت. این تلگراف زمانی به دست شیخ رسید که مجتهد مقتدر همدان برای رفع خطر سالارالدوله، جمعی از طبقات شهر و علما را به منزل خود فراخوانده بود تا برای مقابله و جلوگیری از ورود سالارالدوله به شهر، دسته های نظامی تشکیل دهند و تا رسیدن نیروهای دولتی و مجاهدان از تهران، بتوانند ایستادگی کنند. سالارالدوله در این تلگراف به شیخ خاطر نشان ساخته بود:

... از طرف ما برای به دست گرفتن امور سلطنت، اقدام به عمل آمده است. از آنجایی که شما را پدر روحانی خود می دانیم، انتظار داریم که در تشدید مبانی قدرت ما نهایت کوشش را مبذول دارید. آنچه لازم باشد، از طرف ما مجاهدت به عمل خواهد آمد. (۴۵)

شیخ محمدباقر با مشاهده متن تلگراف دچار حیرت شد و آن را به حضار نشان داد و از آنها می خواست که جواب تنیدی برای سالارالدوله بفرستند. اما چون عموم آقایان مرعوب اقدامات مسدحانه سالارالدوله بودند، از پذیرش این خواسته شانه خالی کردند. ناگزیر خود شیخ تلگراف تنیدی مبنی بر مخالفت با شورش سالار به وی مخابره کرد که با این بیت آغاز می شد:

ای مگس عرصه سبیمخ نه جولانگه توست

عرض خود می بری و زحمت ما می داری (۴۶)

علاوه بر تلگراف مذکور، شیخ محمدباقر بهاری از مردم خواست، هیچگونه کمک و همراهی با سالارالدوله نداشته باشند.

فعالتهای سیاسی، دینی و نظامی شیخ محمدباقر بهاری در انقلاب مشروطیت، در دو قالب عملی و نظری قابل توجه است. وی، با تشکیل اردوی ملی و مجاهدین در استبداد صغیر، هدایت انجمن ولایتی، اعتراض به اولتیماتوم روسیه و مبارزه با سالارالدوله، به فعالتهای عملی خود جامه عمل پوشاند. در زمینه نظری و فکری هم با نگاشتن رساله "ایضاح الخطاء" درباره نكوهش استبداد، در مقام پاسخگویی به آیت الله شیخ فضل الله نوری برآمد.

آیت الله شیخ محمدباقر بهاری، پس از عمری تلاش در عرصه مسائل سیاسی، دینی و اجتماعی، در سال ۱۳۳۳ق. در شهر همدان به رحمت ایزدی پیوست.



آیت الله حاج شیخ محمد باقر بهاری مجاهد مشروطه با تفنگ داران خود در سال ۱۳۲۸ ق.

کردند. (۴۳) این حرکت و قیام شیخ، با پذیرش اولتیماتوم روسیه توسط دولت ایران فروکش نمود و بحران موقتاً خاتمه یافت.

آخرین دفاع شیخ محمدباقر از مشروطیت، در زمان شورش ابوالفتح میرزا سالارالدوله، پسر سوم مظفرالدین شاه برای تصاحب تاج و تخت به همراه محمدعلی شاه مخلوق در ۱۳۲۹ الی ۱۳۳۱ق. بود. سالارالدوله، در این زمان غرب ایران را محل تاخت و تاز خود ساخته بود و شهرهای این منطقه را یکی پس از دیگری متصرف شد. (۴۴)

" متن اسناد "

سند شماره ۱

تأیید تلگراف آیت الله خراسانی به همدان توسط آیت الله شیخ محمدباقر بهاری

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۴ شهر جمادی الثانیه

همدان - خدمت آقایان عظام و امرا و شاهزادگان و خوانین و تجار و کسبه و اصناف و سایر اهالی - دامت تأییداتهم. هر چند تلگرافی که به موجب واصله به این خدام شریعت مطهر مخابره فرموده اند، رسید و عطف تلگرافات سایر بلاد شد، لکن بحمدالله بشارت آحاد کلمه غیورانه در حفظ دین و وطن اسلامی، موجب چشم روشنی و قوت ظهراالاسلام و البته از تمام متدینین به دین اسلام و بلکه سایر فرق هم - که اولاد این آب و خاکند - به همین قسم. معمول و بدیهی است هر روزه حفظ استقلال - که اهم تکالیف

اسلامیه است - جز به همین اتحاد کلمه غیر ممکن و نگهداری این شرف عظیم به غیر از این وسیله محال است و هو المؤید المعلمین، جل جلاله. حالیه نجف اشرف هم تمام طبقات علما بدون استثنا به واسطه وصول همین اخبار موحش و چگونگی رفتار کفره اجنبیه در مشهد مقدس رضوی - علی شرفه السلام - و تبریز و غیر هما و خاصه به انضمام آن به وصول صورت معاهده مملکت فروشانه جدیده، در انقلاب است؛ به طوری که نگذارند به مجلس درس و نماز جماعت هم برویم و البته هر قسم تکلیف اقتضا کند، اقدام و [به] مسلمانان تمام بلاد ایران اعلام خواهیم نمود، انشاء الله تعالی. عجالتاً تکلیف دینی و وطنی قاطبه مسلمانان همین است که اتحاد کلمه خود را حفظ و تمام بلاد با هم متفق و به وسیله مخابره از سیم کمپانی و قاصدهای مخصوص، از هم با خبر و متحد الکلمه و هم آواز عدم تمکین از این معاهده جدید شوند که صورتش منتشر شده... به بذل تمام هستی در ریختن آخرین قطره خون خود را در راه حفظ استقلال وطن اسلامی به تمام ملل و دول معظمه عالم برسانند و دادخواهی کنند و سایر اقدامات عملیه را مهیا و منتظر اعلام تکلیف از جانب این خدام شریعت مطهر باشند، انشاء الله تعالی. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. من الاحقر، محمد کاظم الخراسانی.

[حاشیه] این امضا، خط مبارک حضرت آیت الله متع الله المسلمین بطول افادته و مهر مبارک در ظهر، به معنی خط شریف واضح است. حرره العاصی، محمدباقر البهاری.

[محل مهر آیت الله بهاری]

سند شماره ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

نجف اشرف در حضور مبارک حضرت مستطاب آقای حجت الاسلام آیت الله علی الانام - دامت تأییداتهم - استدعا می نماید سؤالاتی که در این ورقه شده، جواب را مرقوم و مزین فرمائید.

سؤال اول: چون بعضی مکاتیب و تلگرافات جعلی، مغرضین مشروطه نما برای پیشرفت مقاصد خودشان ابراز می نمایند و نسبت او را به آن ناحیه مقدسه می دانند و اسباب بی نظمی ولایت شده است و قلوب مسلمین را مشوب می نمایند، لهذا تلگراف و مکاتیبی که از آن ناحیه مقدسه صادر می شود، در همدان به توسط که ارسالی می فرمایید که اهل بلد، او را قبول و اطاعت نمایند؟

جواب سؤال اول: تاکنون به خاطر نداریم که در مصالح عامه مملکت و ملت، حکمی کتاباً و تلگرافاً به همدان بدون توسط جناب مستطاب شریعتمدار، صفوة الفقهاء العظام، ثقه الاسلام آقای حاجی شیخ باقر مجتهد بهاری - دامت تأییداته - فرستاده باشیم. بعد از این هم هیچ حکمی در امور راجعه به مصالح عامه، بدون توسط ایشان فرستاده نخواهد شد و اگر دیگری حکمی اظهار بدون آنکه تائیداً صحت صدور آن را واسطه کنند و به توسط ایشان تصدیق کنیم، معتبر نخواهد بود.

الاحقر، محمد کاظم خراسانی

سؤال دوم: شرارت و هرزگی میرزا ابوالقاسم معروف [به] محمودزاده، در همدان اظهر من الشمس و به حضور مقدس آیت الله هم معلوم شده، خراب کننده آن بلد است و تمام نفوس اهل همدان از شرارت او در زحمت و مخوفند. آیا بودن او در همدان و تصرف او در امر نظامی و مسلمانان چه صورت دارد؟

جواب سؤال دوم: بلی مفاسد اعمال و شایع رفتار استبداد مشارالیه و کمیته بازیها و تحمیلات ظالمانه او به اسم اعانه و غیر ذلک، محقق و معلوم است. تمام این اهتمامات و زحمات و مجاهدات ملت مظلومه، برای این مطلب بود که ایادی ظالمانه و تعدیات مستبدانه این قبیل ظالمین رفع شود. حال اهم دفع شر و ظلم او را از اهالی همدان جداً از اولیای امور - ایدهم الله تعالی - خواسته، سابقاً به عموم ملت اعلام و باز هم اکیداً اظهار می داریم که هر حکم و اعلانی که در همدان یا غیر همدان از جانب کمیته سریه یا ستاربه یا غیر آنها از مجامع و انجمنهای غیر رسمیه اظهار شود، حکم جبت و طاغوت و پیروی و معاونت آن به منزله پیروی و اعانت جبت و طاغوت است. جلوگیری از تمام انجمنهای غیر رسمی را هم جواباً از اولیای امور - ایدهم الله تعالی - خواستیم و انشاء الله تعالی این مفاسد، موفق و مؤید خواهند بود، انشاء الله تعالی.

الاحقر، محمد کاظم خراسانی

سؤال سوم: محمودزاده در همدان لایحه چاپ نموده و مذکور داشته که: آقایان حجج اسلام به من نوشته اند: او را دست آویز نموده. آیا از آن ناحیه مقدسه چیزی به او نوشته شده است یا خیر؟

جواب سؤال ۳: ابتدا تاکنون نه، به واسطه به مشارالیه چیزی نوشته، فقط در طی دو شهر [؟] خدمت ثقه الاسلام آقای حاج باقر مجتهد - دامت تأییداته - معروف شده از ایشان خواهش نمودیم که تمام مجاهدین اسلام پرست و طنخواه را به ترک اسلحه و رفع ید از تعرضات و موجبات انزجار قلوب، اکیداً نصیحت کنید. به شخص مشارالیه، ابتدا چیزی نوشته نشده و هرگز طرف خطاب نبوده

است.

سؤال ۴: تعیین قاضی عدلیه در همدان به تصویب حضرت مستطاب عالی، اهالی همدان به کثرت آرا انتخاب نمایند؟
جواب سؤال ۴: منصب قضا و حکومت شرعی از جانب امام - علیه افضل الصلوة والسلام - به مجتهد مطلق - که عادل و جامع شرائط باشد - مفوض است، و ابدأ این حکم قابل تصرف و تغییر وضع و رفع نخواهد بود هر کس اجتهاد و عدالتش مسلم و معلوم باشد، از جانب امام - ارواحنا فداه - معین و منصوب و عدلیه، شرعاً و قانوناً مجبور است مراعات شرعی را به او راجع نموده، هر حکمی که صادر شود، اجرا نمایند و اما [در] سایر مواد - که مراعات شرعی خارج و راجع به سیاسیات عرضیه است - عجالاً تکلیف شرعی هیچ قسم در رفع و وضع در آنها را مقتضی نیست.

سؤال ۵: اداره بلدیة همدان، بعضی بدعتهای جدیدی پیش کشیده از جمله قصابی که مالیات نداشت قصد کترات نمودن و اجاره دادن قصابخانه به وجهی کثیر و اضافه نمودن باج حیوانات و گرفتن خانه‌ای، یک قران از خانه‌ها هر ماهی بدون استئنا و ضعفاً و اجاره دادن قبان و غیره و... آیا از این قبیل قرارداد و تحمیلات را به وجود محترم اجازه می‌دانند یا خیر؟
جواب سؤال ۵: علاوه بر اینکه احداث این گونه بدعتهای شرعاً از اعظم کبائر و محرمات است، به مقتضای قانون اساسی هم نه بلدیة و نه غیر بلدیة، هیچ یک از این ادارات در هیچ بلد و ولایتی هیچ گونه تحمیل و احداث مالیات غیر قانونی را که [در] مجلس ملی امضا و تصویب نشده باشد، حق ندارد. اگر بلدیة همدان بخواهد تخلف کند، شرعاً مرتکب اعظم کبائر و قانوناً هم مؤاخذ و مسئول است.

الاحقر، محمد کاظم الخراسانی

سؤال ۶: کسانی که در مقام توهین و اذیت وجود مقدس حضرت مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ باقر مجتهد بهاری - مدظله العالی - برآمده، حال آنها چه؟ تکلیف مسلمانان با آنها چیست؟ بیان فرمایید.
جواب سؤال ۶: بحمدالله تعالی آقای ثقه الاسلام حاجی شیخ باقر بهاری - ایدة الله تعالی - از عظام علمای اعلام و اساطین اسلام و حفاظ شرع سیدانام - علیه افضل صلوة والسلام اند. حفظ مقام و رعایت احترام و اجرای احکام ایشان، شرعاً واجب و اذیت و توهین ایشان حرام است. اعاذالله المسلمین عن ذلك. بر عموم اهالی همدان - دام توفیقهم - اعلام می‌شود که غرض از این همه زحمت و خسارت دو سه ساله، حفظ حدود و شئون علمای حقه معدلتخواه از قبیل جناب مستطاب معظم له در اجرای احکام الهی - عزاسمه - و رفع ظلم و محو بدعت و جلوگیری از حرکات فزاینده مستبدانه و حفظ اموال و اعراض و نفوس مسلمین و ترویج شریعت حضرت سید المرسلین - صلی الله علیه وسلم - و امر به معروف و نهی از منکر و اغاثة ملهوف و غیرها از مرضیات خداوندی - جل شأنه - است.

و فقنا الله تعالی و جمیع المومنین لما یحب و یرضی؛ والسلام. حرره فی ۲۳ لی ذیحجه الحرام سنة ۱۳۲۷
الاحقر، محمد کاظم الخراسانی

سند شماره ۳

رپرت دوازدهم شوال ۱۳۲۷

از قراری که خیر رسیده، بهاریها هم متفرق شده، از شریعتمدار و امام جمعه و سایر اعیان - که برای تفرقه و اصلاح به خانه حاجی شیخ باقر رفته بودند - مراجعت نموده و خبر تفرقه مردم را می‌دهند. حکومت، در حضور عامه به توسط فریدالسلطان پیغامات و فحشهای عرض برای حاجی شیخ باقر پیغام داده؛ فریدالسلطان نرفته ثانیاً به توسط آقای میرزا عبدالوهاب و سایرین اعاده فحاشی نموده؛ شریعتمدار و امام جمعه گفته اند ما این همه زحمات کشیده، اصلاح کردیم؛ این حرفها باعث نفرت خلق و تجدید مطلب خواهد شد. شما حکومت و دخل می‌خواهی، حاجی شیخ باقر ریاست می‌خواهد، تکلیف مردم همدان و انتظار اجانب در این موقع چیست؟ در این صورت، ماها تلگرافخانه می‌رویم و از هر دوی شماها شکایت خواهیم نمود.

محمد حسن

سند شماره ۴

انجمن اکباتان - محرم ۱۳۲۵ق.

توسط جناب حاج شیخ تقی وکیل الرعایای همدانی، خدمت ذی شرافتی عموم اعضای محترم اکباتان - دامت برکاتهم - بر آن

انجمن زار باید گریست که فریادرس را نداند کیست، به واسطه کثرت سرقت که از مال دعاگویان در اطراف همدان و مدتی است که اطراف شهر هم قراسوران ندارد، شش روز است حجرات بسته و در مسجد جنب تلگرافخانه متحصن شده، همه امورات معوض شده، در این مدت کرا را به مجلس مقدس ملی و جناب وزیر داخله تلگراف کرده، ابدأ جوابی نداده اند... که فکری به حال ما نمی نمایند. استدعا آن است که اعضای محترم انجمن، عاجلاً بذل مرحمتی نموده جواب شافی کافی از عرایض ما از مجلس مقدس و جناب وزیر داخله گرفته، مخابره فرمایند.

سید محمد حاجی - حاج علی اکبر - آقا علی - محمد باقر - آقای محمد صادق

سند شماره ۵

نامه انجمن ولایتی همدان به وزارت داخله، پانزدهم شوال ۱۳۲۷ق.

تلگراف جوابیه مبارک محتوی بر اظهار انقیاد تام نسبت به اوامر حضرت آیات - دام اظلالهم - و شفقت و لطف نسبت به اهالی واصل او [زیارت] شد. بحمدالله همان است که اشعار شد. ملت خواهی حضرت اشرف بر همه واضح است. بحمدالله کسی که مخالف اصل مشروطیت باشد، در این بلد نیست یا قدرت بر مخالفت ندارد. دیروز عصر مجمعی در منزل جناب مستطاب آقای آقا محمد اسماعیل - دام تأییده که او مصلح این کار است - از خیر خواهان عموم اهالی بوده، منعقد از هر جهت رفع کدورت شد، اصلاح شد و چندان اهمیت نداشت. امنیت کامله حاصل است. عموم اهالی متشکر و آسوده خاطر اند. انجمن ولایتی همدان با حضور محمدباقر بهاری و علمای همدان و مجاهدین

سند شماره ۶

دوم ذیقعدة ۱۳۲۷

نامه وزیر داخله به محمدباقر

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام حاج شیخ محمدباقر مجتهد، رقیمة شریفه توسط جناب مستطاب وکیل الرعايا، نماینده همدان - دام مجده - شرف وصل ارزانی نمود. از بشارت صحت و استقامت عالیات شریف آیات، کمال تشکر و مسرت حاصل نمود. شرحی از وضع امور همدان و اقدامات و زحمات خودتان در اصلاح امور اتفاقة آنجا و حالت حالیه بعضی اشخاص مرقوم فرموده بودید. مستحضر شدم. اگر چه از تلگرافات جناب مستطاب عالی نیز اطلاع کامل از وضع امورات آنجا حاصل کرده، رقیمة وجود محترم جناب مستطاب عالی را در همدان، خیر خواه دولت و ملت و مروج اساس مقدس مشروطیت می دانم و اگر غیر از این کسی از طرف کسی اظهار بشود، ابدأ محل اعتنا نبوده.

سند شماره ۷

از همدان به تهران، تلگراف ۱۳۲۷ق.

به مقام منبع کارگزاران حضرت مستطاب اشرف اعظم امجد عالی، آقای وزیر داخله؛ شوکت اهالی این خادمان امروز به جد و زحمت و مراقبت حضرت مستطاب حجت الاسلام آقای شیخ محمدباقر است؛ برکات و زحمات آقایان حجج الاسلام، بازارها باز، اهالی خاطر تأکید در لطف و مهربانی و تأمین خاطر اهالی لازم می دارد به سبب زحمت مصلحین امنیت کامله حاصل شده، محض اطلاع خاطر مبارک عرض شد، اهالی مطالبه جواب می کنند؛ بذل مرحمت در سرعت جواب مظلوم دیروز یک نفر مقتول جواب مستعجل که اسباب اطمینان اهالی شود.

سند شماره ۸

نامه محمدباقر بهاری به وزیر داخله

حضور مبارک حضرت امجد وزیر آنچه وضع مخالف ممتحنه و به نفع شده بوده است، مبنی بر اشتباه و تغلیط بوده است. دهم و یازدهم، جزئی شروع بر بعضی [از] آن اشتباهات است. بحمدالله به خدمت گذشت؛ رحم پروردگار شامل حال عموم گردید. غروب سیزدهم اجتماع رؤسا حاصل شد. بهتر از پیش در تحصیل مقاصد ملت کوشش خواهند داشت و امتنان از همدیگر دارند، خصوص حضرت مستطاب والا حکمران.

محمدباقر

پی نوشتها:

- ۱- بهاری، محمدباقر: ایضاح الخطاب فی الردع عن استبداد، به کوشش قاسم برنا، دفتر سوم میراث اسلامی ایران، قم، میراث اسلامی ایران، ۱۳۷۴، ص ۲۹۳ مؤمن، ابوالفتح: دموکراتهای همدان و نهضت جنگل، مجموعه مقالات همایش بازشناسی نهضت جنگل، رشت، شهر باران، ۱۳۸۲، ص ۵۴۹، همو، اندیشه تجددخواهی و روند انقلاب مشروطه در همدان، مجموعه مقالات و سخنرانیهای همایش بزرگداشت مشروطه، تبریز، ستوده، ۱۳۸۳، ص ۹۳۳.
- ۲- اذکابی، پرویز: بهار و بهاری، فرهنگ همدان، س ۱، ش ۴، زمستان ۱۳۷۴، ص ۸؛ بهاری، محمدباقر: القضاء و الشهادت من فقه الباقر، به کوشش محمد حسین بهاری، چاپ شهید، مشهد ۱۴۰۲، ص مقدمه (ه).
- ۳- مرعشی نجفی، محمود: کتابخانه شخصی آیت الله بهاری همدانی، مجله شهاب، سال چهارم، شماره سوم، پیاپی ۱۳، پاییز ۱۳۷۳، ص ۶۷.
- ۴- نجمی، ناصر: مجتهد مقتدر همدان، مجله اطلاعات هفتگی، سال ۱۳۳۷، ش ۹۱۱، ص ۱۶.
- ۵- ظهیرالدوله، علی: خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، به کوشش ایرج افشار، زرین، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۷، ص ۱۱۲.
- ۶- همان، ص ۱۲۳.
- ۷- اصل: خورسند.
- ۸- همان، ص ۱۲۴.
- ۹- همان، ص ۲۸۹.
- ۱۰- همان، ص ۲۹۰.
- ۱۱- همان، ص ۲۹۱.
- ۱۲- همان، ص ۲۹۳.
- ۱۳- اذکابی، پرویز: حاج شیخ تقی (وکیل الزعابا) آینده، س ۱۲، ش ۸-۷، ۱۳۶۵، ص ۲۳۳.
- ۱۴- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آرشیو، سند شماره ۱۱۳۵، ۱۳۸۲، ۱۳۷۶، ۱۳۷۰، ص ۲۴۰.
- ۱۵- ملکزاده، مهدی: تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ۴، علمی، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۳، صص ۹۰۳ و ۹۰۴.
- ۱۶- یغمایی، اقبال: شهید راه آزادی، سید جمال واعظ اصفهانی، توس، تهران ۱۳۳۷، ص ۵۴.
- ۱۷- ملکزاده، مهدی: همان، صص ۹۰۳ و ۹۰۴.
- ۱۸- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آرشیو، سند شماره ۱۱۳۵، ۱۳۸۲، ۱۳۷۶، ۱۳۷۰، ص ۲۴۰.
- ۱۹- کرمانی، ناظم الاسلام: تاریخ بیداری ایرانیان، جلد ۲، امیر کبیر، تهران ۱۳۷۱، ص ۵۶۲.
- ۲۰- همان، ص ۵۶۸.
- ۲۱- اذکابی، پرویز: بهار و بهاری، ص ۸.
- ۲۲- گنجینه اسناد، س ۲، دفتر ۳، و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۱، سند شماره ۶، صص ۱۴۷-۶.
- ۲۳- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آرشیو، سند شماره ۲۰۸۹، ۱۳۷۶، ۱۳۷۰، ص ۸۱.
- ۲۴- اذکابی، پرویز: همان، ص ۸.
- ۲۵- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آرشیو، سند شماره ۲۰۸۹، ۱۳۷۶، ۱۳۷۰، ص ۸۱.
- ۲۶- همان، سند شماره ۲۵.
- ۲۷- همان، سند شماره ۲۱.
- ۲۸- اسناد خانوادگی حاج محمود حجت الاسلامی، نوبه پسر آیت الله بهاری.
- ۲۹- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آرشیو، سند شماره ۲۰۸۹، ۱۳۷۶، ۱۳۷۰، ص ۸۱.
- ۳۰- اسناد خانوادگی حاج محمود حجت الاسلامی.
- ۳۱- همانجا.
- ۳۲- همانجا.
- ۳۳- همانجا.
- ۳۴- همانجا.
- ۳۵- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آرشیو، سند شماره ۱۱۵۳، ۱۳۷۶، ۱۳۷۰، ص ۵۱.
- ۳۶- ترکمان، محمد: نظارت هیئت مجتهدین، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، کتاب دوم، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۶۹، ص ۴۰.
- ۳۷- همان: اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران (۱۳۷۸ تا ۱۳۹۱ ش)، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۰، ص ۲۰۳.
- ۳۸- همانجا.
- ۳۹- اسناد خانوادگی نور محمد باقری از نوادگان آیت الله بهاری.
- ۴۰- نظام الدین زاده، حسن: هجوم روس و اقدامات رؤسای دین برای حفظ ایران، به کوشش نصرالله صالح، شیرازه، تهران ۱۳۷۷، ص ۱۲۳.
- ۴۱- بهاری، محمدباقر: القضاء و الشهادت من فقه الباقر، مقدمه.
- ۴۲- نجمی، ناصر: همان، ص ۵۳.
- ۴۳- ترکمان، محمد: همان، ص ۳۶۲.
- ۴۴- مؤمن، ابوالفتح: عباس خان سرتیپ چناری، فصلنامه گنجینه اسناد، س ۱۰، ش ۳۸، و ۳۹، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۳۴.
- ۴۵- نجمی، ناصر: همان، ص ۴۲.
- ۴۶- همانجا.